

The UN Guiding Principles on Business and Human Rights and conflict-affected areas: state obligations and business responsibilities

اصول راهنمای ملل متحد راجع به تجارت و حقوق بشر و مناطق متأثر از مخاصمه:

تعهدات دولت و مسئولیت‌های شرکت^۱

راچل دیویس^۳

چکیده

اصول راهنمای ملل متحد راجع به تجارت و حقوق بشر راهنمای موثقی برای دولت‌ها و شرکت‌ها است تا دریابند چگونه می‌توان از آسیب‌های حقوق بشری مرتبط با تجارت، به ویژه در مناطق متأثر از مخاصمه، جلوگیری کرد یا چگونه باید به آن‌ها توجه کرد. دولت‌ها باید یک سری گزینه‌های سیاستی و تنظیمی بدیع تری را برای چنین موقعیت‌هایی در نظر بگیرند، خواه سروکار آن‌ها با شرکت‌های همکاری کننده یا شرکت‌هایی که همکاری نمی‌کنند، باشد. شرکت‌ها باید قادر باشند بدانند و نشان دهند که می‌توانند با یکپارچگی و تمامت عمل کنند- و از دخیل شدن در سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری اجتناب کنند- و اینکه فرایندهای ارزیابی و کاهش خطر و جبران خسارت با توجه کامل به ریسک‌های احتمالی برای کلیه اشخاصی باشد که تحت تأثیر این ریسک‌ها قرار دارند و نه صرفاً ریسک‌هایی که متوجه شرکت آن‌هاست.

واژگان کلیدی: اصول راهنمای ملل متحد، تجارت و حقوق بشر، مخاصمه، مسئولیت‌ها، ارزیابی ریسک، حمایت، چارچوب رعایت و جبران خسارت.

در ژوئن ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد^۴، به اتفاق، اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر، که توسط نماینده ویژه سابق دبیرکل ملل متحد برای تجارت و حقوق بشر، پروفیسور جان راگی از دانشکده کندی هاروارد، تهیه شده بود را مورد تأیید قرار داد. این اصول راهنما، اجراکننده سند «چارچوب حمایت، رعایت و جبران خسارت ملل متحد» می‌باشند که خود آن چارچوب نیز توسط راگی تهیه شده بود.

زمانی که راگی مأموریت خود را در سال ۲۰۰۵ آغاز نمود، هیچ مرجع معتبری برای دولت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی یا جامعه مدنی در رابطه با چگونگی جلوگیری از و پرداختن به سؤاستفاده‌های حقوق بشری مرتبط با تجارت وجود نداشت. راگی تلاش

^۱ The UN Guiding Principles on Business and Human Rights and conflict-affected areas: state obligations and business responsibilities, International Review of the Red Cross, Vol. 94, No. 887, Autumn 2012

^۲ برگردان به فارسی: مجتبی اصغریان و لادن افشاری

^۳ Rachel Davis. Rachel Davis is Managing Director at Shift, a non-profit centre dedicated to helping governments, businesses, and other stakeholders put the UN Guiding Principles on Business and Human Rights into practice. She was previously a senior legal advisor to Professor John Ruggie, the former Special Representative of the UN Secretary-General for Business and Human Rights. She is also a Research Fellow at the Corporate Social Responsibility Initiative at Harvard Kennedy School.

^۴ the United Nations (UN) Human Rights Council

نمود تا با اخذ مشورت و انجام پژوهش‌های گسترده با حمایت کارشناسانی از سرتاسر دنیا، اجماعی میان افراد ذینفع ایجاد نماید. خروجی این فرایند، سند «چارچوب حمایت، رعایت و جبران خسارت ملل متحد» بود، که در سال ۲۰۰۸ به شورای حقوق بشر ملل متحد ارائه گردید. این «چارچوب» مبتنی بر سه ستون مستقل است که تکمیل کننده یکدیگر هستند:

۱. تکلیف دولت به حمایت در مقابل سوء استفاده‌های حقوق بشری توسط اشخاص ثالث از جمله بنگاه‌های اقتصادی، از طریق سیاست‌های مناسب، قانونگذاری و رسیدگی قضایی؛

۲. مسئولیت شرکتی برای رعایت حقوق بشر که به معنای امتناع از نقض حقوق دیگران و توجه به آثار سوئی که بنگاه اقتصادی درگیر آن است، می‌باشد؛ و

۳. لزوم دسترسی گسترده تر قربانیان به جبران خسارت مؤثر، چه قضایی و چه غیرقضایی.

شورای حقوق بشر ملل متحد به اتفاق، از سند «چارچوب» استقبال کرد و مدت تصدی راگی را به عنوان نماینده ویژه تا سال ۲۰۱۱ و با مأموریت «عملیاتی کردن» و ارتقای سند «چارچوب» تمدید نمود. در ژوئن ۲۰۱۱، شورا به اتفاق «اصول راهنما» را تأیید نمود و آن را تبدیل به یک مرجع معتبر در زمینه تجارت و حقوق بشر ساخت.^۵

چارچوب حمایت، رعایت و جبران خسارت («چه باید انجام داد») و اصول راهنما («چگونه باید انجام داد») منعکس کننده‌ی اجماع گسترده در خصوص چگونگی توجه به ریسک‌هایی است که از سوی تجارت متوجه حقوق بشر می‌گردد. اصول راهنما پیش از آنکه به طور رسمی در ژوئن ۲۰۱۱ توسط شورای حقوق بشر مورد بررسی قرار گیرد، از حمایت‌های گسترده از سوی مشاغل، اتحادیه‌های تجاری، سازمان‌های غیردولتی، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان برخوردار گردیده بود. از آن زمان تاکنون، همگرایی بیشتر استانداردها حول «اصول راهنما» در سطح جهانی ایجاد گردید. به ویژه، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، در بازبینی «خطوط راهنمای شرکت‌های چندملیتی»^۶ در سال ۲۰۱۱، فصل حقوق بشری جدیدی را اضافه نمود که دقیقاً منعکس کننده «اصول راهنما» می‌باشد.^۷ راهنمای ایزو ۲۶۰۰۰ راجع به مسئولیت اجتماعی شرکتی، که اخیراً توسط سازمان بین‌المللی استاندارد سازی تهیه گردید، در مقررات حقوق بشری خود مفاد «اصول راهنما» را منعکس نموده است.^۸ مؤسسه مالی بین‌المللی در بازبینی سند «چارچوب پایداری و استانداردهای عملکرد»^۹ مسئولیت شرکتی در رعایت حقوق بشر را گنجانده، که این خود توسط بانک‌های خصوصی «اصول اکواتور»^{۱۰} و سند «رویکردهای مشترک» سازمان همکاری و

^۵ See UN Doc. A/HRC/17/31, Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations 'Protect, Respect and Remedy' Framework, 21 March 2011, unanimously endorsed by the United Nations Human Rights Council on 16 June 2011. The Council also created a new expert Working Group on business and human rights to take forward the dissemination and implementation of the Guiding Principles.

^۶ Guidelines for Multinational Enterprises

^۷ See OECD, OECD Guidelines for Multinational Enterprises, 25 May 2011 (updated), available at: www.oecd.org/daf/internationalinvestment/guidelinesformultinationalenterprises/oecdguidelinesformultinationalenterprises.htm.

^۸ See International Organization for Standardization, ISO 26000 Guidance on Social Responsibility, 2010, available at: www.iso.org/iso/iso_catalogue/management_standards/iso26000.

^۹ Sustainability Framework and Performance Standards.

^{۱۰} private 'Equator Principles' banks

اصول اکواتور یا اصول خط استوا (equators principles) چارچوب مدیریت ریسک است که توسط نهادهای مالی جهت تعیین، ارزیابی و مدیریت خطر اجتماعی و محیطی در پروژه‌های مالی اتخاذ می‌شود.

توسعه اقتصادی برای «آژانس اعتبار صادرات»^{۱۱} انتخاب و اعمال گردیده است^{۱۲}. نهایتاً، کمیسیون اروپایی سند جدیدی را در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکتی صادر نموده است که از کلیه شرکت‌های فعال در حوزه اتحادیه اروپا می‌خواهد که همگام با مفاد «اصول راهنمای ملل متحد»، حقوق بشر را رعایت کنند.^{۱۳}

برای دولت‌ها، «اصول راهنما» تبیین کننده تعهدات حقوقی جدیدی نیستند- که هرگز قصد دولت‌ها چنین نبوده است. بلکه، منعکس کننده ابعاد سیاستی تکالیف موجود دولت‌ها تحت حقوق بین الملل بشر در زمینه حمایت علیه آسیب‌های حقوق بشری مرتبط با تجارت هستند. این اصول تأکید خاصی بر نیاز به همبستگی سیاستی بیشتر میان تعهدات حقوق بشری دولت‌ها و اقدامات تقنینی و سایر اقدامات آن‌ها در رابطه با تجارت هستند.

برای بنگاه‌های اقتصادی، همگرایی جدی حول اصول راهنمای ملل متحد، موجب شفافیت و قابلیت پیش بینی در رابطه با مسئولیت آن‌ها در رعایت حقوق بشر بوده و کمک می‌کند که انتظارات برابری در این زمینه بوجود آید. برای بنگاه‌های اقتصادی انگیزه‌ای وجود دارد که به این انتظارات بپردازند چرا که دولت‌ها، سرمایه گذاران، سازمان‌های جامعه مدنی، و سایرین از اصول راهنما به عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد حقوق بشری شرکت‌ها، به ویژه در نواحی متأثر از مخاصمه، استفاده می‌کنند.

راگی، چالش‌های خاص و اغلب حادی که در نواحی متأثر از مخاصمه مطرح می‌شود، را به عنوان یکی از مهم‌ترین «خلأهای حاکمیتی» موجود در سطح بین المللی توصیف نمود. این پژوهش کوتاه، توضیح خواهد داد که چگونه تعهدات و مسئولیت‌های مربوطه دولت‌ها و شرکت‌ها که در اصول راهنما درج گردیده می‌تواند به وضعیت‌های مخاصمه مرتبط باشد. بخش نخست مقاله، با تمرکز بر خروجی‌های ناشی از سلسله بحث‌هایی که در چارچوب مأموریت راگی و با حضور نمایندگان دولت میزبان و دولت مبدأ مطرح گردید، به آثار و دلالت‌های آن برای دولت‌ها می‌پردازد. بخش دوم به آثار و دلالت‌های آن‌ها برای شرکت‌ها و به ویژه موارد متعددی که شرکت‌ها ممکن است در آسیب‌های حقوق بشری، به ویژه سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشر در چنین وضعیت‌هایی، دخیل باشند می‌پردازد. در نهایت، در بخش نهایی نتیجه‌گیری کوتاهی ارائه می‌شود.

آثار اصول راهنما برای دولت‌ها

این بخش به طور خلاصه به جنبه‌های اصلی «تکلیف دولت به حمایت» می‌پردازد. سپس بر اصل راهنمای شماره‌ی هفت تمرکز می‌کند. این اصل به چالش خاص بنگاه‌های اقتصادی می‌پردازد که در نواحی متأثر از مخاصمه فعالیت می‌کنند و سلسله کارگاه‌های آموزشی محرمانه‌ای که در مدت مأموریت راگی، با نمایندگان دولت‌های مبدأ و میزبان برگزار شده است، را مورد توجه قرار می‌دهد. برای دولت‌هایی که در نواحی متأثر از مخاصمه به تعامل با شرکت‌های همکاری کننده و شرکت‌هایی که همکاری نمی‌کنند، می‌پردازند توصیه‌هایی در آن کارگاه‌های آموزشی مطرح شده است که توصیه‌های اصلی آن در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ توصیه‌هایی که هنوز باید به طور کامل در رویه تک تک دولت‌ها منعکس گردد. سپس این بخش با

^{۱۱} Export Credit Agency.

^{۱۲} See International Finance Corporation, IFC Sustainability Framework and IFC Performance Standards on Environmental and Social Sustainability, 1 January 2012, available at: www1.ifc.org/wps/wcm/connect/Topics_Ext_Content/IFC_External_Corporate_Site/IFC+Sustainability/Sustainability+Framework.

^{۱۳} See European Commission, A Renewed EU strategy 2011–14 for Corporate Social Responsibility, 25 October 2011, available at: http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sustainable-business/corporate-socialresponsibility/index_en.htm.

بحثی در خصوص ارتباط رویکردهای چندجانبه، به ویژه در رابطه با جبران سؤاستفاده‌های فاحش حقوق بشری، خاتمه می‌یابد.

تکلیف دولت به حمایت

اصول راهنمایی که به اولین ستون «چارچوب ملل متحد» می‌پردازند این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد که چگونه دولت‌ها می‌توانند محیطی ایجاد کنند که منجر به رعایت حقوق بشر توسط بنگاه‌های اقتصادی گردد، از جمله از طریق:

- همبستگی بیشتر سیاست‌ها میان تعهدات حقوق بشری و اقدامات آن‌ها در رابطه با تجارت، از طریق بهبود اجرای قوانین موجود، شناسایی و توجه به خلأهای سیاستی و تقنینی کلیدی، و ارائه راهنمایی مؤثر برای تجارت؛
- تقویت احترام بنگاه‌های اقتصادی به حقوق بشر در کشور مبدأ و در خارج از کشور، از جمله در مواردی که رابطه‌ای میان دولت و بنگاه اقتصادی وجود دارد (مانند بنگاه‌های اقتصادی در مالکیت دولت یا مؤسسات تحت کنترل دولت، یا زمانی که دولتی وارد مبادلات تجاری از قبیل خریدهای دولتی می‌گردد)؛
- کمک در راستای تضمین این امر که بنگاه‌های اقتصادی فعال در نواحی متأثر از مخاصمه مرتکب سؤاستفاده‌های حقوق بشری نگردند یا در این زمینه مشارکتی نداشته باشند (این موضوع به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است)؛

و

- ایفای تکلیف خود به حمایت در نقش‌هایی که به عنوان مشارکت کنندگان در نهادهای چندجانبه دارند.
- علاوه بر این، دولت‌ها براساس ستون سوم «سند چارچوب ملل متحد» تعهداتی در خصوص جبران خسارت دارند. حتی در مواردی که دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به نحو بهینه‌ای عمل می‌نمایند، همچنان ممکن است آثار سؤ حقوق بشری در نتیجه فعالیت‌های یک شرکت ایجاد شود و افراد و جوامع متأثر باید قادر به درخواست جبران خسارت باشند. مکانیزم‌های مؤثر شکایت نقش مهمی را در تکلیف دولت به حمایت و مسئولیت شرکت به رعایت حقوق بشر ایفا می‌کنند. اصول راهنما در مورد ستون سوم به این موضوع می‌پردازند که این مکانیزم شکایت چگونه می‌تواند توسط دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تقویت گردد:

- به عنوان بخشی از تکلیف به حمایت، دولت‌ها باید اقدامات مقتضی اتخاذ نمایند تا زمان وقوع سؤاستفاده‌های حقوق بشری، تضمین شود که اشخاص متأثر به مکانیزم‌های دولتی و مؤثر قضایی و غیرقضایی دسترسی دارند؛
- مکانیزم‌های غیردولتی (از جمله سازوکارهای شرکتی در سطح عملیاتی) باید مکمل مؤثری برای مکانیزم‌های دولتی فراهم نمایند؛ و
- تمامی مکانیزم‌های غیرقضایی شکایت باید با داشتن ویژگی‌های مشروعیت، قابلیت دسترسی، قابلیت پیش بینی، برابری، شفافیت، مطابقت با حق‌ها، منبعی برای یادگیری مداوم، و (در خصوص مکانیزم‌های در سطح عملیاتی) ابتدای بر دیالوگ و توجه، از معیارهای اثر بخشی خاص برخوردار باشند.

تکلیف به حمایت در نواحی متأثر از مخاصمه

اصل راهنمای شماره هفت (اصل عملیاتی مربوط به تکلیف دولت به حمایت) به چالش‌های خاصی که در نواحی متأثر از مخاصمه مطرح می‌گردد توجه می‌کند و مقرر می‌دارد که:

۷. از آنجا که خطر سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری در نواحی متأثر از مخاصمه بالا است، دولت‌ها باید کمک نمایند تضمین شود بنگاه‌های اقتصادی فعال در آن شرایط، در چنین سؤاستفاده‌هایی دخیل نیستند، به ویژه از طریق:

(الف) توجه به بنگاه‌های اقتصادی، در اولین مرحله ممکن، تا به آن‌ها کمک کنند که ریسک‌های حقوق بشری فعالیت‌های آن‌ها و روابط تجاری را، شناسایی، جلوگیری و کاهش دهند؛

(ب) ارائه کمک کافی به بنگاه‌های اقتصادی به منظور ارزیابی و پرداختن به ریسک‌های بالای سؤاستفاده های حقوق بشری و توجه ویژه به خشونت مبتنی بر جنسیت و خشونت جنسی؛

(ج) خودداری از حمایت عمومی و ارائه خدمات به بنگاه‌های اقتصادی که در سوء استفاده‌های حقوق بشری دخیل هستند و در حل مشکلات مربوط به این وضعیت‌ها همکاری نمی‌نمایند؛

(د) تضمین مؤثر بودن سیاست‌ها، قوانین و مقررات جاری و اقدامات اجرایی دولت‌ها در پرداختن به خطر دخالت بنگاه‌های اقتصادی در سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری.

در تفسیر این اصل اشاره شده است که کلیه اقدامات مشروحه در اصل شماره هفت، «علاوه بر تعهدات دولت‌ها تحت حقوق بین الملل بشردوستانه در وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه و تحت حقوق بین الملل کیفری می‌باشد.»^{۱۴}

این اصل تا اندازه‌ای ناشی از مجموعه کارهایی است که در طول مأموریت راگی در خصوص چالش‌های ویژه مطروحه در نتیجه اجرای تکلیف دولت به حمایت در نواحی متأثر از مخاصمه صورت گرفته است. همانطور که راگی توضیح داده است:

«شنیع‌ترین سوء استفاده‌های حقوق بشری مرتبط با تجارت در نواحی متأثر از مخاصمه و سایر وضعیت‌های خشونت گسترده، رخ می‌دهد. سوء استفاده‌های حقوق بشری می‌تواند جرقه‌ای برای آغاز یا تشدید جنگ باشد، و منجر به سوء استفاده‌های حقوق بشری بیشتری گردد. شدت سوء استفاده‌های حقوق بشری نیازمند واکنش می‌باشد زیرا در مناطق جنگی، احتمالاً رژیم بین الملل حقوق بشر نمی‌تواند آنطوری که از آن انتظار می‌رود، عمل نماید. چنین شرایطی اتخاذ اقدامات اضطراری از سوی دولت‌ها را الزام می‌نمایند. اما برای دولت‌ها واضح نیست که چه سیاست‌ها و ابزارهای ابداعی، فعال و مهم‌تر از همه، عملی، دارای بیشترین پتانسیل جهت پیشگیری و کاهش سوء استفاده‌های مرتبط با تجارت در مواقع مخاصمه هستند.»^{۱۵}

از اینرو راگی سه کارگاه، برای مأموران رسمی از گروه‌های کوچک اما نماینده‌ی دولت‌ها، جهت کمک به ارائه چنین پیشنهاداتی برگزار نمود. کشورهایی که موافقت خود را برای مشارکت اعلام نمودند شامل بلژیک، برزیل، کانادا، چین، کلمبیا،

^{۱۴} اصول راهنما بر مفهوم حقوق بین الملل بشر برای دولت‌ها تاکید دارد در حالیکه تصدیق می‌نماید که حقوق بین الملل بشر دوستانه به عنوان حقوق خاص است که هر زمان قابل اعمال باشد دولت‌ها باید به آن وفادار باشند.

^{۱۵} See Business and Human Rights in Conflict-Affected Regions: Challenges and Options for State Responses, UN Doc. A/HRC/17/32, 27 May 2011. The report on the workshops was included as one of the four addenda to the report containing the Guiding Principles in 2011.

گواتمالا، نیجریه، نروژ، سیرالئون، سوئیس، بریتانیا و ایالات متحد بودند. کارگاه‌ها در هر جلسه به صورت بارش ذهنی^{۱۶} و در مورد سناریوی متفاوتی برگزار می‌شد. از شرکت کنندگان درخواست شد تا با ارائه‌ی گزینه‌های سیاستی احتمالی جهت کمک به جلوگیری و ممانعت از سوء استفاده‌های حقوق بشری مرتبط با تجارت در مناطق متأثر از مخاصمه برای دولت‌های مبدأ (جایی که شرکت چند ملیتی تأسیس یا مقرشان در آنجا واقع شده است)، دولت‌های میزبان (مکانی غیر از دولت مبدأ که شرکت در آن فعالیت می‌کند)؛ و دولت‌های همسایه که در مجاورت نزدیک با دولت میزبان قرار دارند، کمک نمایند.^{۱۷} انتظار بر آن نبود که دولت‌های مشارکت کننده به اجماع برسند یا پیشنهاد خاصی را مورد تأیید قرار دهند.

کارگاه‌ها اهمیت زود هنگام پرداختن به این مسائل را از سوی تمامی دولت‌ها-دولت‌های میزبان، مبدأ و دولت‌های همسایه- قبل از آنکه شرایط موجود حادث شود، مورد تأیید قرار دادند. در مواردی که کشور میزبان قادر به ایفای تکلیف به حمایت (برای مثال، به دلیل نداشتن کنترل مؤثر بر قلمروش) نمی‌باشد، دولت‌های مبدأ شرکت‌های فراملی، نقش خود را در کمک به آن شرکت‌ها و دولت میزبان جهت پیشگیری از سوء استفاده‌های حقوق بشری مرتبط با تجارت ایفا می‌نمایند. دولت‌های همسایه می‌توانند حمایت مکمل و اضافی مهمی را ارائه نمایند خواه شرکت‌های فراملی در آن شرایط دخیل باشند یا شرکت‌های ملی.

ایده اصلی زیربنای اصول راهنما این است که دولت‌ها نباید فرض کنند که بنگاه‌های اقتصادی عدم اقدام از سوی دولت را ترجیح می‌دهند. کارگاه‌های مذکور بر اهمیت ارتباط فعال دولت‌ها با بنگاه‌های اقتصادی جهت مساعدت به شرکت‌هایی که با چالش‌های فعالیت کردن در مناطق متأثر از مخاصمات مواجه هستند، از جمله اجتناب از کمک به سوء استفاده‌های حقوق بشری، تأکید می‌کند. با اینکه که این عمل باید در اولین فرصت ممکن رخ دهد، اما نظر به اینکه که شرایط مخاصمه تغییر می‌کند و/یا بدتر می‌شود، دولت‌ها باید در سراسر چرخه مخاصمه درگیری خود را حفظ نمایند. اما با اینکه شرکت‌های مسئول به طور فزاینده‌ای به دنبال راهنمایی از دولت‌ها هستند، تمام شرکت‌ها مسئول نیستند. توصیه‌های مطروحه‌ی راگی در کارگاه‌های مخاصمه به دو دسته تقسیم می‌شوند: (۱) بنگاه‌های اقتصادی که مایل به همکاری با دولت‌ها جهت جلوگیری و رسیدگی به آسیب‌های حقوق بشری هستند و (۲) آن‌هایی که همکاری نمی‌کنند.

تعامل با شرکت‌هایی که همکاری می‌کنند

به طور کلی، دولت‌ها در حال حاضر انتظاراتشان از بنگاه‌های اقتصادی در رابطه با حقوق بشر در شرایط مخاصمه را به طور موثری از طریق سیاست‌ها، حقوق یا دیگر ابزارها (در مقایسه با شیوه‌ای که انتظارات دولت در حوزه ضد-فساد بیان می‌شود) بروز نمی‌دهند. به این معنی که پایتخت‌ها و سفارت‌های درون کشوری فاقد مبنای واضحی برای درگیری با و توصیه دهی به شرکت‌ها در خصوص چنین شرایطی هستند. همچنین آگاهی کلی از اطلاعات موجود که می‌تواند در ارزیابی و پرداختن به خطرات سوء استفاده‌های حقوق بشری، از جمله شناسایی ابزارهای مفید، کمک کننده باشند، وجود ندارد.

^{۱۶} Brainstorming Sessions

^{۱۷} این کارگاه سه سناریو را مطرح نمود: جایی که شرکت‌ها به صورت فیزیکی در شرایط مخاصمه‌ای حضور دارند؛ وقتی که مشاغل در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و تجاری دخیل هستند که تا شرایط مخاصمه‌ای گسترده می‌شوند؛ و نقش‌های فردی و جمعی دولت در پاسخگویی به شرکت‌هایی که از دخالت سازنده خودداری می‌نمایند. هر سناریو فرض چنین در نظر گرفته است که شرایط مخاصمه‌ای متضمن روش‌های تغییر دهنده یا تشنج‌زدای خوشونت است.

این کارگاه‌ها تأیید کردند که دولت‌های مبدأ می‌توانند فعالیت‌های بسیار بیشتری را در راستای تقویت همکاری میان آژانس‌های توسعه همکاری، وزارتخانه‌های تجارت و امور خارجه و نهادهای توسعه مالی/اعتبار صادرات خود در پایتخت‌ها و میان آژانس‌های مختلف و سفارت‌های دولت مبدأ در کشور مربوطه انجام دهند. به عدم همکاری میان این بازیگران مختلف و آژانس‌های دولت مبدأ نیز اشاره گردید. برخی گزینه‌های سیاستی عملی از بحث‌ها به دست آمد که در اینجا به صورت کامل بیان شده است:

- قوانینی که ایجاد سیاست حساسیت مخاصمه/حقوق بشر^{۱۸} (مشابه التزام ضد-رشوه) را از سوی شرکت‌های تجاری فعالیت فعال در موقعیت خشونت بار الزام می‌نماید.

- جمع آوری و انتقال اطلاعات در خصوص تعهدات حقوقی (برای مثال، مقررات دولت مبدأ، شورای امنیت و دیگر ضمانت اجراها) و مشورت‌ها (مانند توصیه از سوی دولت در خصوص زمینه‌های فعالیتی خاص، مسئولیت‌های حقوق بشر و ابزارهای مسئولیت اجتماعی شرکت)؛

- جمع آوری و در دسترس قرار دادن اطلاعات حوزه عمومی در مورد شرایط حقوق بشر در مناطق مخاصمه‌ای خاص؛

- ایجاد و انتقال استانداردهای بالای مراقبت مقتضی در شرایط مخاصمات، مانند «راهنمای مراقبت مقتضی منتشره توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای زنجیره‌های مسئول تأمین مواد معدنی»^{۱۹} از مناطق متأثر از مخاصمه و مناطق پر خطر؛

- تهیه «لیست سفید» از شرکت‌های تجاری همکاری کننده برای معاملات دولتی، سرمایه گذاری، اعتبار صادرات، و دیگر مبادلات مبتنی بر سیاست‌ها و رویه‌های مراقبت مقتضی

- توصیه به احتیاط و اتخاذ اقدامات/گام‌های مشخص در مناطق خطر، برای مثال، مدل «مشورتی سفر»^{۲۰} که موجب اشتغال بیشتر - یا انواع مختلف اشتغال - میان آژانس‌های دولتی و شرکت‌های تجاری می‌شود.

- تضمین توانایی آژانس‌ها برای ایفای تعهدات دولت‌ها به جلوگیری از سرقت و غارت کالاهای وارداتی در حوزه قضایی شان

- ارائه خدمات دولتی یا دیگر خدمات سازشی و میانجیگری در شرایطی که اختلافات محلی ناشی از تجارت است.

- ارائه توصیه‌های محرمانه توسط وزارت‌های امور خارجه، تجارت یا صنعت واقع در پایتخت یا از طریق سفارتخانه‌ها. علاوه بر ارتقا فعالیت‌های تجاری، تعدادی از کشورها تعهدی را برای ماموران رسمی ارتقا تجارت قائل شده‌اند که بر اساس آن ماموران موظف‌اند شرکت‌های تجاری را از فعالیت‌های مشکل ساز مانند فساد نپي کنند. ایجاد وظیفه مشابهی، برای مثال، در خصوص جرائم بین المللی مستلزم دستور و آموزش دادن به ماموران/بخش‌های سیاسی و تجاری در سفارتخانه‌ها و وزارتخانه‌های امور خارجه است.

^{۱۸} Human Rights/Conflict Sensitivity Policy

^{۱۹} OECD Due Diligence Guidance for Responsible Supply Chains of Minerals

^{۲۰} Travel Advisory

- فعالیت‌های دوجانبه با دولت‌های شریک جهت تضمین همکاری مؤثر در میان تمام دولت‌های مربوطه در خصوص فعالیت شرکت‌های تجاری در شرایط مخاصمه‌ای خاص. برای مثال، در مواردی که دولت میزبان شرکت‌های تجاری را ملزم به پرداخت مستقیم به نیروهای امنیت و نظامی (یعنی پول را مستقیماً به واحدها پرداخت کنند نه از طریق مالیات بر خزانه) یا ارائه‌ی مساعدت لجیستیکی می‌نماید، دیپلماسی دوجانبه گواهی می‌دهد که بر موافقت نامه‌های واضح و امضا شده بر روابط نظامی- تجاری شرکت‌ها نظارت می‌کند.

- یک مدل نظارتی دقیق می‌تواند به بررسی واکنش‌های دولت به کسب و کار در نواحی متأثر از مخاصمه بپردازد، مدلی که برگرفته از مدل نظارتی آفریقایی (که تمرکز آن بر زمامداری^{۲۱} است) باشد.^{۲۲}

تعامل با شرکت‌هایی که همکاری نمی‌کنند

وقتی یک بنگاه اقتصادی مایل به اجرای استانداردهای مربوطه نیست، سیاست‌های لازم و فرایندها را با حسن نیت انجام نمی‌دهد، یا به نحو دیگری، از اتخاذ اقداماتی جهت جلوگیری از ریسک‌های حقوق بشر خودداری می‌نماید، انجام یک سلسله اقدامات لازم است. این اقدامات شناسایی شده در کارگاه‌ها شامل موارد زیر است:

-تحقیق توسط سفارت یا آژانس دیگر، یا توسط مامور رسمی، کمیته‌های انضباطی ملی یا ارکان دیگر با فعالیت مشابه؛

-دخالت در سطوح ارشد (مانند مدیرعامل) اگر شرکت یک بنگاه اقتصادی بزرگ باشد؛

-بیانیه‌های رسانه‌ای یا بیانیه‌هایی که در مجلس رفتار شرکت یا فاصله گرفتن آن دولت از شرکت را مورد استیضاح قرار می‌دهد؛

- دخالت دولت‌های همسایه‌ی کشورهای شریک (برای مثال، از طریق سازمان‌های منطقه‌ای) در تحقیقات، میانجیگری یا سازش؛

-عقب نشینی (مبتنی بر تهدید) از حمایت توسعه تجارت و/یا روابط کنسولی؛ یا

-ممانعت از انجام مبادلات، ضمانت صادرات، سایر معاملات یا تجارت‌های دولتی.^{۲۳}

زمانی که یک شرکت مرتکب سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری می‌شود یا به ارتکاب این امر کمک می‌نماید، باید اقدامات تکمیلی از جمله: کشف مسئولیت جزایی و مدنی مناسب (برای مثال، برای درگیری در جرائم بین المللی، یا برای پولشویی) یک شخص مأمور یا آن شرکت، از جمله ضبط اموال یا صدور قرار بازداشت؛ اعمال ضمانت اجرای چند جانبه و یک جانبه بر فرد یا شرکت؛ توقیف جایجایی کالا، زمانی که احتمال خطر منطقی در خصوص غیرقانونی بودن کالاها وجود دارد یا ممنوعیتی از سوی کشور تأمین کننده یا رکن دیگر تحمیل شده باشد؛ و قرار دادن اسم یک فرد یا شرکت در لیست شورای امنیت سازمان ملل جهت حمایت از طرف‌های یک مخاصمه اتخاذ شود.^{۲۴}

^{۲۱} Governance.

^{۲۲} See above note 16, para. 16.

^{۲۳} Ibid., para. 17.

^{۲۴} Ibid., para. 18.

رویکردهای چندجانبه

راگی با تأکید بر کارگاه‌های مخاصمه توضیح داد که به دلیل بی میلی کلی دولت‌ها برای قرار دادن کسب و کارشان در موقعیت پایین‌تر، دولت‌ها باید تعریفی از خطرات یا فعالیت‌هایی ارائه دهند که موجب انجام واکنش‌های فوق‌الذکر از طریق استانداردهای چندجانبه در رابطه با شرکت‌هایی که همکاری نمی‌کنند، شود.^{۲۵} در پایان مأموریت، راگی یادداشتی با موضوع گزینه‌هایی برای اقدامات پیگیری به شورای حقوق بشر سازمان ملل (به علاوه اصول راهنمای نهایی و چهار ضمیمه) ارائه داد.^{۲۶} راگی علاوه بر اقداماتی که اجرای اصول راهنما را توصیه می‌نمایند، بر نیاز به شفاف سازی استانداردهای حقوق بین المللی قابل اعمال بر دخالت بنگاه‌های اقتصادی در سوء استفاده‌های حقوق بشری تأکید کرد. به خصوص:^{۲۷}

نماینده ویژه متذکر شد که حوزه قضایی ملی تفاسیر متنوعی از قابلیت اعمال بر شرکت‌های تجاری دارای استاندارد بین المللی دارد که این استانداردها سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری که احتمالاً در سطح جرائم بین المللی قرار می‌گیرند را ممنوع می‌نماید. این استانداردها نوعاً در حوزه‌هایی مطرح می‌شوند که رژیم حقوق بشر نمی‌تواند آن گونه که انتظار می‌رود عمل نماید، مانند مخاصمات مسلحانه یا شرایط دیگری که دارای خطر شدیدی است. چنین تنوعی تنها منجر به افزایش عدم قطعیت برای قربانیان و همچنین تجارت می‌گردد.

رایزنی‌های نماینده ویژه با تمام گروه‌های ذینفع نشان می‌دهد که این حوزه، حوزه‌ای است که سازگاری بیشتری در حمایت حقوقی می‌طلبد و این (ایجاد سازگاری) مورد قبول گسترده قرار گرفته است. سازگاری می‌تواند به بهترین نحو از طریق رویکرد چندجانبه تسریع گردد. تلاش‌هایی از این نوع باید به شفاف سازی استانداردهای مربوط به تحقیقات مناسب، مجازات و جبران خسارت در مواقعی که شرکت‌های تجاری باعث چنین نقض‌هایی شده‌اند یا به انجام چنین فعلی کمک نموده‌اند، و همچنین به ایجاد ضمانت اجراهای مؤثر بازدارنده و متناسب کمک نماید. همچنین می‌تواند به شرایط مقتضی گسترش صلاحیت قضایی به خارج و مبانی پذیرش اعمال چنین صلاحیت‌های قضایی بپردازد. به علاوه می‌تواند همکاری بین المللی را، از جمله در حل و فصل اختلافات صلاحیتی و پیش بینی مساعدت فنی، تقویت کند. کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد^{۲۸} رویه قضایی و مدل مناسبی را برای چنین تلاشی ارائه می‌دهد.

این توصیه نامه از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل پذیرفته نشد و شکاف برجسته‌ای در چارچوب بین المللی برای جلوگیری و جبران خسارت سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری باقی گذاشته است.

مفاهیمی برای شرکت‌ها

این بخش با ارائه‌ی طرح کلی از مفاهیم مبنایی در مسئولیت شرکت‌ها در رعایت حقوق بشر آغاز می‌شود؛ سپس قبل از بررسی اصل راهنمای شماره (C) ۲۳ در مورد خطر مشارکت در سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری و برخی از تأثیراتش در

^{۲۵} Ibid., para. 21.

^{۲۶} UN Human Rights Council, 'Recommendations on follow-up to the mandate', note presented to the UN Human Rights Council, 11 February 2011, available at: www.business-humanrights.org/media/documents/ruggie/ruggie-special-mandate-follow-up-11-feb-2011.pdf.

^{۲۷} Ibid., pp. 4-5.

^{۲۸} UN Convention against Corruption

عمل، روش‌های مختلفی که به وسیله آن شرکت‌ها ممکن است با تأثیرات منفی حقوق بشری و مفاهیم مربوط به آن درگیر شوند، مورد بحث قرار خواهیم داد.

مسئولیت شرکت‌ها در رعایت حقوق بشر

دومین ستون چارچوب سازمان ملل، مسئولیت شرکت به رعایت حقوق بشر است که به معنای اجتناب از تعدی به حقوق دیگران و پرداختن به آثار منفی‌ای است که تجارت با آن سروکار دارد. مسئولیت رعایت، یک استاندارد جهانی رفتار مورد انتظار می‌باشد که در اسناد نرم و اسناد داوطلبانه‌ی مربوط به مسئولیت شرکت‌ها تأیید شده است و اکنون نیز از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز مورد تأیید قرار گرفته است.^{۲۹} این کد رفتاری، انتظار حداقلی از تمام بنگاه‌های اقتصادی در تمام موقعیت‌ها است. ممکن است انتخاب شرکت‌ها حمایت و ارتقا حقوق بشر باشد (که بسیاری از شرکت‌ها چنین انتخابی دارند)، اما ناکامی در رعایت حقوق در بخشی از فعالیت‌های شرکت نمی‌تواند با مساعدت‌های بشردوستانه یا انواع دیگر کمک‌ها به منظور ارتقا حقوق در جای دیگر خنثی گردد.

اصول راهنما آشکار می‌سازد که شرکت‌ها باید تمام حقوق بشر شناخته شده در سطح بین‌المللی را رعایت کنند - حداقل حقوقی که در اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر^{۳۰}، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی^{۳۱} و میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۳۲} و اعلامیه سازمان بین‌المللی کار در خصوص اصول بنیادین حقوق کار^{۳۳} گنجانده شده‌اند. در مواقع خاص، لازم است بنگاه‌های اقتصادی استانداردهای تکمیلی از جمله حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را در شرایط مخصصات مسلحانه رعایت نمایند.^{۳۴} با این حال، تمرکز اصول راهنما بر انواع سیاست‌ها و فرایندهایی است که بنگاه اقتصادی لازم دارد تا بدانند و نشان دهد که حقوق بشر را در حوزه فعالیت‌های خود و از طریق روابط تجارتهای رعایت می‌کند. ۶ عنصر ضروری در این باره وجود دارد که ۴ مورد آن تحت مفهوم "مراقبت مقتضی از حقوق بشر"^{۳۵} دسته‌بندی شده‌اند.^{۳۶} این عناصر شامل موارد زیر هستند:

۱. **تعهد نسبت به سیاست‌ها و اجرای آن‌ها:** ایجاد و تبیین تعهد سیاست‌گذاری حقوق بشر و اجرای آن از طریق مدیریت، پاسخگویی و آموزش در سطح شرکت؛

۲. مراقبت مقتضی حقوق بشر

الف. ارزیابی تأثیرات احتمالی و واقعی حقوق بشری شرکت

^{۲۹} اگرچه اسناد بین‌المللی حقوق بشر در حال حاضر این تعهد را به صورت مستقیم بر مشاغل تحمیل نمی‌کند (از این رو، واژه مسئولیت به جای وظیفه به کار برده می‌شود)، عناصر آن غالباً در قوانین داخلی منعکس می‌شود. با این حال، مسئولیت به رعایت جدای از حقوق ملی است.

^{۳۰} Universal Declaration of Human Rights.

^{۳۱} The International Covenants on Civil and Political Rights.

^{۳۲} The International Covenants on Economic, Social and Cultural Rights.

^{۳۳} The ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work.

^{۳۴} See above note 1, Guiding Principle 12, Commentary. The Interpretive Guide referenced in note 24 below specifically cites the ICRC's publication in this regard: see ICRC, Business and International Humanitarian Law: an Introduction to the Rights and Obligations of Business Enterprises under International Humanitarian Law, ICRC, Geneva, December 2006. See also above note 6 regarding states' obligations.

^{۳۵} 'human rights due diligence'

^{۳۶} See above note 1, Guiding Principle 15; Guiding Principles 17-21 address human rights due diligence in detail.

ب. وارد ساختن یافته‌های به دست آمده از آن ارزیابی‌ها در تصمیم‌گیری‌های شرکت و اتخاذ اقداماتی جهت رسیدگی به آن‌ها

ج. دنبال نمودن این امر که چگونه شرکت را می‌توان به نحو موثری اداره کرد تا تاثیرات (فعالیتش) مورد رسیدگی قرار گیرد

د. برقراری ارتباط با ذینفعان در خصوص چگونگی رسیدگی به آثار (حقوق بشر)

ه. جبران خسارت^{۳۷}: کمک برای جبران خسارت تمامی آثار منفی که شرکت موجب گردیده یا به وقوع آن کمک کرده است.

نکته حائز اهمیت آنست که عناصر مراقبت مقتضی حقوق بشری به عنوان فرایندهای جاری تعریف شده‌اند نه به صورت اتفاقات یکباره (برای مثال، "یک ارزیابی" یا "یک گزارش). اصول راهنما هیچ جایگاهی در تعیین این موضوع که آیا سیاست‌ها و فرایندهای اتخاذی مورد نیاز دولت‌ها باید به صورت مستقل باشند یا در سیستم موجود ترکیب شده باشند، ندارند. بسیاری از شرکت‌ها یک سری تأثیرات احتمالی حقوق بشری را از طریق سیستم‌های موجود سلامت و امنیت، سیستم‌های زیست محیطی و اخلاق و سیستم‌های ایفاء تعهدات مدیریت می‌کنند. با این حال، این شرکت‌ها بر نیاز به سیستم‌های موجود و سیستم‌های جدید جهت شناسایی مؤلفه منحصر به فرد بودن خطرات حقوق بشری تأکید می‌کنند- به این معنی که درک تاثیرات، دیدگاه "ذینفعان متأثر"^{۳۸} را کاملاً در نظر بگیرد. منظور از ذینفعان متأثر افرادی هستند که ممکن است حقوق بشرشان با فعالیت‌ها، محصولات و خدمات شرکت‌ها متأثر شده باشد.

درک خطرات علیه ذینفعان متأثر، مستقل از خطرات علیه کسب و کار

فرایند مراقبت مقتضی حقوق بشر و جبران خسارت نیازمند یکپارچه نمودن درک (مفهوم) شدت تاثیرات- یعنی میزان، گستره و ماهیت غیر قابل جبران- است تا اقدامات مناسب جهت پیشگیری و جبران این اعمال تعیین شوند. همانند رویکردهای سنتی مدیریت خطر، اولویت بندی واکنش‌های یک شرکت به تاثیرات شناسایی شده، توسط احتمال و شدت تعیین می‌گردد- اما بر خلاف ماتریس‌های سنتی خطر یا "نقشه‌های حرارت"^{۳۹} که شدت تأثیر بر کسب و کار را اندازه گیری می‌نماید، درک شدت خطرات حقوق بشر ناشی از آن تأثیر بر ذینفعان متأثر است.

برای درک شدت به این روش، اصول راهنما بر اهمیت رایزنی معنادار و همکاری با ذینفعان، از جمله ذینفعان متأثر، به عنوان اصل ارتباط دهنده، تأکید می‌کند. این امر در زمان ارزیابی تأثیرات، پیگیری عملکرد و مدیریت شکایت‌ها به صورت خاص اهمیت می‌یابد. برای مثال، در حالی که نابودی زمین یک کشاورز به آسانی از طریق مالی جبران خسارت می‌شود، مبلغ جبران خسارت ممکن است نیمی از معاش یک کشاورز باشد و در طول زمان منجر به (ظهور) تاثیرات منفی چشمگیری از جمله نابودی ثبات اجتماعی گردد. این امر در بعضی از جوامع برای زنان، ممکن است به معنای لغو آزادی باشد در صورتی که زنان سهمی در زمین داشته باشند، به این دلیل که جبران خسارت به مردها پرداخت می‌شود. مثال دیگر قطع دسترسی یک فرد یا کل جامعه به خدمات تلفن همراه در مناطق متأثر از مخاصمه است که ممکن است به تاثیرات منفی چشمگیری بر امنیت شخصی افراد، بسیار فراتر از تأثیر آزادی بیان، منجر شود.

^{۳۷} Remediation

^{۳۸} 'Affected Stakeholders'

^{۳۹} 'Heat Maps'

"نقشه حرارت" یک تصویر گرافیکی از اطلاعات است که ارزش فردی نشان داده شده در ماتریس به صورت رنگی نشان داده می‌شود.

اصول راهنما تعیین می‌نماید که رایزنی مستقیم با ذینفعان متأثر ممکن است همیشه میسر نباشد؛ مخصوصاً برای شرکت‌های کوچک یا شرکت‌هایی که کاربرانشان از لحاظ جغرافیایی بسیار پراکنده هستند (مانند شرکت‌های خدمات اینترنتی). در چنین مواردی، اصول راهنما تکیه بر منابع تخصصی (خواه منابع انسانی یا منابع مکتوب) را توصیه می‌نماید که می‌توانند به صورت امکان‌پذیری دیدگاه‌ها و نگرانی‌های افرادی را که مستقیماً متأثر شده‌اند را منتقل کنند. در محیط‌های پیچیده، مانند مناطق متأثر از مخاصمه، چنین دخالتی ممکن است بیشتر چالش برانگیز باشد؛ با این حال، تجربه شرکت‌ها نشان می‌دهد که انجام فعالیت‌ها در چنین شرایطی اهمیت بیشتری می‌یابد. این مسئله در ادامه بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

با این که اصول راهنما بر خطرات علیه حقوق بشر متمرکز است نه بر خطرات علیه شرکت‌ها، همانطور که تحقیقات نشان داده است این دو مقوله به صورت فزاینده‌ای به هم مرتبط هستند. تحقیقی بر ۱۹۰ پروژه که در سال ۲۰۰۸ با تمرکز بر بخش اکتشاف توسط شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی انجام شد، نشان داد زمان لازم برای آنلاین شدن پروژه‌ها تقریباً در دهه اخیر دو برابر شده است که منجر به افزایش شدید هزینه‌ها گردیده است.^{۴۰} پیگیری محرمانه زیر مجموعه این پروژه‌ها، در حمایت از مأموریت راگی انجام شد، و نتیجه این بود که شرکت‌ها با خطرات غیر فنی‌ای تقریباً معادل نیمی از خطرات کل پروژه روبرو هستند و خطرات مرتبط با ذینفعان به تنهایی بزرگ‌ترین طبقه را تشکیل می‌دهد.^{۴۱}

تحقیق دیگری مبتنی بر این تحقیق، از سوی نویسنده توسط انجمن مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در مدرسه کندی هاروارد همراه با مرکز مسئولیت اجتماعی معدنکاری در دانشگاه کویینزلند استرالیا در مورد هزینه‌های مخاصمه با جوامع محلی برای شرکت‌های صنعت استخراجی (اکتشاف) انجام شد.^{۴۲} تحقیق مشخص نمود که:

- معمول‌ترین هزینه‌ها، هزینه‌هایی است که ناشی از دست دادن سودمندی^{۴۳} به دلیل تأخیر است (برای مثال، عملیاتی با هزینه سرمایه‌ای در حد ۵-۲ میلیون دلار آمریکا، در هر هفته در ارزش خالص فعلی^{۴۴} خود متحمل ۲۰ میلیون دلار هزینه‌ی تأخیر تولید می‌شود)

- بزرگ‌ترین هزینه‌ها، هزینه‌ی فرصت است که ناشی از ناتوانی در تعقیب پروژه‌های آتی و/یا فرصت‌های گسترش یا فروش هستند؛ و

- تنها هزینه‌ای که اکثر مواقع نادیده گرفته می‌شود زمان اضافی کارمند^{۴۵} است که در زمان آغاز یا بالا گرفتن مخاصمات مسلحانه لازم است هزینه شود. برای مثال بر اساس یک فرضیه کاری در صنعت، انجام برخی کارها باید حدوداً ۵ درصد زمان مدیر را بگیرد، در برخی موارد این میزان به ۵۰ درصد، یا حتی در مواردی، به ۸۰ درصد می‌رسد.

^{۴۰} Goldman Sachs Global Investment Research, 'Top 190 projects to change the world', April 2008.

^{۴۱} See UN Doc. A/HRC/14/27, Business and Human Rights: Further Steps Towards the Operationalisation of the 'Protect, Respect and Remedy' Framework, 9 April 2010, para. 72.

^{۴۲} Rachel Davis and Daniel Franks, 'The costs of conflict with local communities in the extractive industry', paper presented at the First International Seminar on Social Responsibility in Mining, Santiago, Chile, 19-21 October 2011, available at: www.shiftproject.org/publication/costs-conflict-local-communitiesextractive-industry. The research drew on over 40 confidential interviews, including with industry representatives, and an analysis of 25 cases, to focus on the costs incurred by companies in such instances of conflict.

^{۴۳} productivity

^{۴۴} Net Present Value

^{۴۵} additional staff time

این تحقیق نشان داد که هزینه‌های متحمل در نتیجه مخاصمات از سوی شرکت‌ها، نوعاً در یک طبقه یا شماره واحد که ممکن است توجه مدیریت ارشد یا هیات مدیره را جلب می‌کند، قرار داده نمی‌شوند. این هزینه‌ها در هزینه‌های عملیاتی گنجانده می‌شوند، در حالی که هزینه‌های متحمل از سوی شرکت‌هایی که تلاش در پیشگیری از چنین مخاصماتی دارند، به صورت هزینه‌های مستقیم نشان داده می‌شوند که تصویر تحریف یافته‌ای را ایجاد می‌کند. درک و کاهش پتانسیل‌ها برای چنین مخاصمه‌ای یک عنصر ضروری جهت مدیریت ریسک شرکت و بخشی از تلاش‌های شرکت جهت ایفای مسئولیت به رعایت می‌باشد.

روش‌های تعامل با آثار منفی حقوق بشری و مفهوم قدرت نفوذ

اصول راهنما سه روش مختلف را که توسط آن‌ها یک شرکت ممکن است درگیر در آثار منفی حقوق بشری شود، مورد شناسایی قرار می‌دهد: ۱. ایجاد آثار منفی ۲. کمک به ایجاد آثار منفی ۳. مواردی که آثار منفی مستقیماً توسط یک رابطه تجاری مرتبط با فعالیت‌ها، محصولات یا خدمات شرکت شده است. هر کدام از این موارد دارای تأثیرات مختلفی بر واکنش‌های مناسب می‌باشند.

این مفهوم که شرکت مستقیماً موجب تأثیر منفی حقوق بشر می‌شود، واضح است. یک مثال برای این مورد، می‌تواند حل و فصل مجدد اختلاف توسط شرکتی از جامعه‌ای باشد که همگام با رویه مناسب بین المللی (برای مثال، همانطور که در استانداردهای عملکردی موسسه مالی بین المللی^{۴۶}) نیست یا در رعایت آزادی صنفی در میان کارگران خود ناکام مانده است.

مفهوم "کمک"^{۴۷} تقریباً واضح است، اگرچه "کمک" می‌تواند به دو شیوه رخ دهد. در حالت اول، کمک از طریق شخص ثالث- برای مثال، یک تأمین کننده یا یک دولت- انجام می‌شود. این نوع کمک زمانی رخ می‌دهد که تصمیم یا عملی از سوی یک شرکت، محرک‌های قوی برای شخص ثالث جهت نقض حقوق بشر ایجاد کند- برای مثال، زمانی که یک شرکت خصوصی امنیتی که در مناطق متأثر از مخاصمه فعالیت می‌کند ضرب الاجل‌های بسیار کوتاهی را برای تأمین پرسنل تعیین می‌کند که نتایجاً شرکت استخدام کننده ناتوان از انجام بررسی‌های کافی سوابق در مورد استخدام‌های جدید می‌شود، و یکی از آن پرسنل مرتکب سو استفاده‌ی حقوق بشری می‌گردد. همچنین همکاری می‌تواند زمانی رخ دهد که یک شرکت نقض حقوق بشر را تسهیل یا میسر می‌سازد - برای مثال، با ارائه اطلاعات شخصی در خصوص کاربران خدمات شبکه اجتماعی آنلاین به رژیم سرکوب کننده، آن رژیم را قادر می‌سازد تا آن افراد را نه به منظور اهداف اجرای حقوق کیفری مشروع بلکه به منظور تعرض و تعدی در راستای سوء استفاده‌های حقوق بین الملل بشر هدف قرار دهند.

دومین روش که به وسیله آن یک شرکت ممکن است به تأثیر منفی کمک نماید به صورت موازی با شخص ثالث است و منجر به ایجاد تأثیرات جمعی می‌شود. برای مثال، یک شرکت لباس که در منطقه‌ای واقع شده است که برای (عبور و مرور) زنان در شب به دلیل حضور گروه‌های شورش‌خیز خطرناک است ممکن است شیفت‌هایش را تغییر دهد تا زنان کارگر بتوانند در ساعات روشنایی روز خارج یا وارد شوند. آن زنان ممکن است در رفت و آمد به محل کار مورد حمله قرار گیرند. از اینرو این تأثیر منفی بر امنیت ناشی از ناکامی شرکت در توجه به نتایج تصمیمش در خصوص تغییر زمان شیفت کاری است زمانی که این تصمیم با فاکتورهای خطر موجود ترکیب می‌شود.

در نهایت، در سناریو سوم، یک تأثیر منفی بر حقوق بشر ممکن است مستقیماً مرتبط با محصولات، فعالیت‌ها یا خدمات شرکت به واسطه‌ی رابطه تجاری باشد، حتی اگر شرکت در به وجود آوردن تأثیر مزبور، شرکت و همکاری نکرده باشد. برای مثال، یک شرکت حوزه استخراج و اکتشاف، یک کد رفتاری دارد که استفاده از زور را تنها در شرایط کاملاً مشخصی مجاز

^{۴۶} IFC Performance Standards.

^{۴۷} Contribution

می‌دارد؛ رعایت این کد رفتاری در تمام قراردادهای امنیتی الزام می‌شود؛ این کد، پیمانکارانی را که به استفاده نامناسب از زور شناسایی شده‌اند، حذف می‌کند و بر ایفای این تعهد توسط شرکای تجارتي نظارت می‌کند. با این حال مشخص می‌شود که تأمین کننده‌ی امنیت آن استانداردها را نقض کرده است. آشکار است که شرکت، مسئول تأثیر منفی در معنای حقوقی نیست، از آنجایی که تمامی کارهایی که انتظار می‌رفت منطقاً در راستای جلوگیری از نقض انجام دهد، انجام داده است. اصول راهنما آشکار می‌سازد که تعهدی به جبران خسارت در چنین مواردی ندارد. با این حال، مسئولیت آتی جهت اتخاذ اقداماتی جهت پیشگیری از ادامه و باز رخدادهای تأثیر دارد به این دلیل که آن تأثیر مستقیماً مرتبط با فعالیت‌های خودش است.

مثال دیگر برای «ارتباط»^{۴۸} زمانی است که شرکتی عناصر و اجزای تجهیزات الکترونیکی را از تأمین کنندگانی تهیه می‌کند که از مواد معدنی تأمین شده از مناطق متأثر از مخاصمات استفاده می‌کنند. همانطور که طیف گسترده‌ی تلاش‌های کنونی جهت رسیدگی به چالش "مواد معدنی مخاصمات"^{۴۹} نشان می‌دهد، این موضوع را نمی‌توان مسئله‌ای دانست که صرفاً یک شرکت بدان بپردازد.^{۵۰} با این حال، تحت اصول راهنما، شرکت مسئولیت دارد بررسی کند به صورت منطقی چه گام‌هایی می‌تواند اتخاذ کند تا به این حقیقت که تأثیرات منفی ناشی از تولید مواد معدنی مخاصمه به واسطه روابط تجارتي مستقیماً مرتبط با محصولات خودش است بپردازد- از جمله از طریق تلاش‌های جمعی، همانطور که ابتکار عمل‌هایی در این حوزه در حال انجام است.^{۵۱}

هر کدام از این سه سناریو به صورت ضمنی دلالت بر واکنش‌های مختلفی از طرف شرکت دارند. زمانی که یک شرکت مستقیماً موجب تأثیری می‌شود، متوقف کردن آن تأثیر ممکن است در کنترل کامل شرکت باشد. چنین شرایطی زمانی رخ می‌دهد که شرکت در (به وجود آمدن) آن تأثیر همکاری داشته باشد اما ممکن است در رسیدگی به همکاری خود شرکت، یا در مورد تصمیم‌گیری‌های داخلی و فرایندهایش یا در روابط خارجی خود با اشخاص ثالث (مانند مقامات دولتی) پیچیدگی‌هایی وجود داشته باشد. این امر از مسئولیت شرکت به انجام عمل مناسب نمی‌کاهد اما ممکن است رسیدگی به چنین تأثیراتی در زمان کوتاه دشوار باشد.

در سناریوی سوم، شرکت غالباً بدون این که موجب به وجود آمدن تأثیر شده باشد یا در بوجود آمدنش همکاری کرده باشد کنترل حداقلی بر تأثیراتی داشته است که مرتبط با محصولات، فعالیت‌ها یا خدماتشان است. این سناریو زمانی اتفاق می‌افتد که مفهوم «قدرت نفوذ»- یعنی توانایی شرکت در ایجاد تغییر در رفتار غیر قانونی طرف دیگر - به صورت خاصی مهم می‌شود. اصول راهنما به لزوم توجه به چگونگی بکارگیری قدرت نفوذ برای کاستن اثر، تشخیص بخش‌هایی که قدرت نفوذ وجود ندارد و چگونگی یافتن روش‌هایی برای افزایش قدرت نفوذ اشاره می‌کند (برای مثال، از طریق محرک‌ها، همکاری با شرکت‌های هم‌تا، یا همکاری با عاملان مدنی یا دولتی جامعه). علاوه بر قدرت نفوذ، ملاحظات بحرانی در تعیین واکنش مناسب در چنین

^{۴۸} Linkage

^{۴۹} Conflict Minerals

مواد معدنی مخاصمات به اصطلاح در مورد مواد معدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فروش آن‌ها تأمین کننده منابع مالی در مخاصمات است.

^{۵۰} For example, the work being conducted by the OECD on responsible supply chains of minerals from conflict-affected areas. See OECD, OECD Due Diligence Guidance for Responsible Supply Chains of Minerals from Conflict-Affected and High-Risk Areas, 25 May 2011, available at: www.oecd.org/fr/daf/investismentinternational/principesdirecteurspourlesentreprisesmultinationales/mining.htm. This work is now referenced in the new implementation guidelines developed by the US Securities and Exchange Commission for the implementation of Dodd-Frank Section 1502.

^{۵۱} See, for example, Public-Private Alliance for Responsible Minerals Trade (www.resolve.org/site-ppa/, last visited February 2013) and Solutions for Hope (<http://solutions-network.org/site-solutionsforhope/>).

مواردی شامل میزان اهمیت روابط تجاری برای شرکت، میزان شدت تأثیر بر حقوق بشر و تأثیر خاتمه رابطه تجاری مربوطه برای حقوق بشر است. این رویکرد فرض را بر این نمی‌گذارد که راه حل به سادگی می‌تواند خاتمه یک رابطه باشد؛ حقیقتاً، در بسیاری از موارد چنین حرکتی می‌تواند منجر به بروز نتایج منفی حقوق بشری بیشتری شود.

مسئولیت شرکت برای رعایت حقوق بشر: یک راهنمای تفسیری، صادر شده توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد، با حمایت و مشارکت راگی (که زمان کوتاهی پس از پایان ماموریتش صورت گرفت)، فرایندهای تصمیم‌گیری مورد نیاز در ماتریس را نشان می‌دهد که در تصویر ۱ نشان داده شده است.

وجود قدرت نفوذ	نبود قدرت نفوذ
<p>- کاهش خطر ادامه/ باز رخداده سو استفاده</p> <p>- در صورت نا موفق بودن</p>	<p>- افزایش قدرت نفوذ</p> <p>- اگر موفق باشد، کاهش خطر ادامه/بازرخداده سوء استفاده</p> <p>- اگر موفق نباشد، در نظر گرفتن خاتمه رابطه**؛ یا نشان دادن تلاش‌های انجام شده در راستای کاهش سوء استفاده، شناسایی نتایج احتمالی باقیمانده</p>
<p>تلاش جهت کاهش خطر ادامه/باز رخداده سو استفاده</p> <p>اگر موفق نباشد، انجام اقداماتی جهت خاتمه رابطه</p>	<p>در نظر گرفتن خاتمه رابطه*</p>

* در نظر گرفتن ارزیابی‌های معتبر آسیب‌های احتمالی به حقوق بشر که ناشی از خاتمه رابطه هستند.

** در نظر گرفتن شدت تأثیر؛ هر چه شدیدتر باشد، باید به تغییرات سریع‌تر توجه شود، قبل از آنکه تصمیم درباره خاتمه رابطه گرفته شود.

تصویر ۱: ماتریس تصمیم‌گیری در موقعیت‌های ارتباط^{۵۲}

همانطور که ماتریس نشان می‌دهد، در چنین شرایطی به ندرت واکنش‌های ساده وجود دارد، اما اصول راهنما برای شرکت‌ها رویکرد ساخت یافته‌ای را جهت انجام فعالیت از طریق آن‌ها فراهم می‌کند.

بررسی سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری از منظر رعایت قوانین

اصل راهنمای شماره ۲۳ به بنگاه‌های اقتصادی در سه شرایط مختلف راهنمایی ارائه می‌دهد:

وقتی حقوق ملی ضعیف یا ساکت است، وقتی استانداردهای ملی مستقیماً مغایر با استانداردهای بین‌المللی است و وقتی بنگاه‌های اقتصادی در سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری همدستی می‌کنند.

^{۵۲} Office of the High Commissioner for Human Rights, The Corporate Responsibility to Respect Human Rights: An Interpretive Guide, November 2011, para. 8.5, available at: www.ohchr.org/Documents/Publications/HR.PUB.12.2_En.pdf.

اصل شماره ۲۳ آشکار می‌سازد که شرکت‌ها باید هر جایی که فعالیت می‌کنند استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری را رعایت نمایند، علی‌الخصوص زمانی که با مقررات متناقض روبرو می‌شوند، باید به دنبال راه‌هایی برای رعایت استانداردهای مذکور باشند. واضح است شرکت‌ها نباید با پائین آوردن استانداردهای خود از شرایط عملیاتی که حفاظت اندکی از حقوق بشر ارائه می‌دهد سو استفاده کنند، بلکه در عوض باید از استانداردهای بین‌المللی به عنوان معیار مربوطه استفاده نمایند.^{۵۳} زمانی که آشکار می‌شود استانداردهای ملی مغایر با استانداردهای بین‌المللی است لازم است بنگاه‌های اقتصادی گستره‌ی واقعی مغایرت احتمالی را، برای مثال، بررسی دقیق قوانین مربوطه، درخواست شفاف‌سازی از دولت و/یا به چالش کشیدن مقررات، فهمیدن از طریق بررسی کارهایی که شرکت‌های هم‌تا انجام داده‌اند، و آزمون رویکردهای پیشنهادیشان با متخصصان و دینفعان محلی دریابند. بار دیگر، اصول راهنما (در چنین مواردی) فرض را بر این نمی‌گذارد که "خروج"^{۵۴} راه حل است، اما بنگاه‌های اقتصادی که تصمیم دارند وارد عمل شوند یا به انجام فعالیت‌هایشان در چنین شرایطی ادامه دهند لازم است بدانند و نشان دهند که می‌توانند به شیوه‌ای عمل کنند که مسئولیتشان در رعایت حقوق بشر را انجام می‌دهند- یا با نتایج احتمالی حقوقی و حیثیتی آن عمل روبرو می‌شوند.

اصل شماره ۲۳(C) مقرر می‌دارد که تجارت‌ها باید «هرجا که فعالیت می‌کنند خطر ایجاد یا کمک به سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری را رفع کنند.» این امر همیشه موضوع عمل جدی- و بحث‌ها- از سوی شرکت‌ها بوده است. بنابراین شایسته است بعضی جزئیات مورد بحث قرار گیرد. تفسیر ماده ۲۳ بیان می‌دارد:

بعضی شرایط عملیاتی، مانند مناطق متأثر از مخاصمه، ممکن است به خطرات همدستی شرکت‌ها در ارتکاب سو استفاده فاحش حقوق بشری توسط بازیگران دیگر (نیروهای امنیت، برای مثال) دامن زنند. به دلیل گسترش شبکه مسئولیت حقوقی احتمالی شرکت^{۵۵} که ناشی از دعاوی مدنی فراسرزمینی و وارد نمودن مقررات اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی در صلاحیت‌های قضایی که پیش بینی‌کننده‌ی مسئولیت جزایی شرکت است، شرکت‌های تجاری باید این خطر را از منظر همسو بودن فعالیت با قانون مورد بررسی قرار دهند. به علاوه، مدیران، ماموران و کارمندان شرکت ممکن است تابع مسئولیت^{۵۶} فردی برای اعمالی باشند که سو استفاده‌های فاحش حقوق بشری محسوب می‌شوند.

در شرایط پیچیده این چنینی، شرکت‌های تجاری باید تضمین نمایند که به بدتر شدن شرایط دامن نخواهند زد. در ارزیابی چگونگی انجام بهترین واکنش، غالباً به شرکت توصیه می‌شود تا نه تنها از تخصص و مشورت متخصصین بخش‌های مختلف در شرکت بهره مند شوند بلکه با کارشناسان مستقل و معتمد خارج از شرکت از جمله دولت‌ها، جامعه مدنی، نهادهای ملی حقوق بشری و انجمن‌های چند-دینفعی^{۵۷} مربوطه مشورت نمایند.

اصل ۲۳ بر دو سناریوی اول پیش از این توضیح داده شده- یعنی زمانی که شرکت باعث به وجود آوردن تأثیر منفی می‌شود یا در به وجود آوردن آن تأثیر کمک کرده است- تمرکز دارد. باید اطمینان حاصل شود که شرکت اقدامات مناسب را جهت امتناع از وقوع و کمک به وقوع سو استفاده‌های فاحش حقوق بشر اتخاذ می‌کند- برای مثال، زمانی که شرکت برای نیروهای

^{۵۳} Ibid., para. 14.2.

^{۵۴} 'exit'

^{۵۵} Corporate Legal Liability

^{۵۶} Liability

^{۵۷} Multi-Stakeholder

امنیت عمومی یا خصوصی مورد قرارداد اسلحه فراهم می‌کند، که این کار در راستای اصول داوطلبانه در مورد امنیت و حقوق بشر^{۵۸} است.^{۵۹} این امر به معنای تحمیل رویکرد «مسئولیت محض»^{۶۰} نیست.

تفسیر ماده (C) ۲۳ اشاره می‌نماید که باید توجه خاصی به خطر درگیری در سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشری مبذول شود زیرا به دلیل شبکه‌ی در حال گسترشی که در بالا به آن اشاره شد انجام چنین عملی از دیدگاه شرکت محتاطانه است.^{۶۱} با این حال، هدف این است که اصول راهنما به صورت یک کلیت منسجم خوانده شود.^{۶۲} بنابراین ماده‌ی ۲۳ باید در پرتو اهمیت مفهوم شدت در اصول راهنما و هدایت آشکار در اصل راهنمای شماره‌ی ۲۴ درک شود که مقرر می‌دارد در صورت نیاز اعمال پیشگیری کننده باید اولویت بندی گردند و تأثیرات بد را مورد بررسی قرار دهند، بنگاه‌های اقتصادی باید اعمالی را که به شدیدترین تأثیرات می‌پردازد، اولویت بندی کنند (همانطور که در بالا اشاره شد). از اینرو، تأکید بر شدت - توجه به دیدگاه افراد متأثر شده - از راهنمایی ارائه شده در ماده‌ی ۲۳ خبر می‌دهد.

قصد بر این نبوده است که ماده ۲۳ توصیه‌ای باشد که ضرورتاً عملکردش در هماهنگی داخلی در مسائل حقوق بشری اولویت داشته باشد. موضوع وضع مسئولیت برای فعالیت خاص شرکت دارای موافقان و مخالفانی است. همانطور که جان شرمن^{۶۳} (مشاور کل موسسه شیفت^{۶۴} و عضو دیگری از تیم اصلی راگی) توضیح می‌دهد:

اصل راهنمای (C) ۲۳ به این معنی نیست که مسئولیت شرکت‌ها در رعایت حقوق بشر باید به بخش حقوقی آن شرکت واگذار شود و به این موضوع صرفاً به عنوان ایفای تعهدات حقوقی و خطر حقوقی نگاه می‌کند. برای یک شرکت چالش‌هایی درباره ترویج روابط و تغییر روش‌های انجام تجارت وجود دارد. این اصل به سادگی تصدیق می‌نماید که صرف نظر از عدم قطعیت حقوق در حوزه‌های قضایی خاص، درگیری یک شرکت در سوء استفاده‌های فاحش حقوق بشر ممکن است چنان فاجعه‌ی عظیمی برای شرکت و جامعه باشد که وکلای شرکت باید به صورت فعالانه‌ای به همان ترتیبی که بر پیشگیری از مداخلات شرکت در جرائم شدید شرکتی نظارت می‌نماید بر تلاش‌های شرکت جهت جلوگیری از مداخلات شرکت در این سوء استفاده نظارت داشته باشند.^{۶۵}

اصل ۲۳ توجه شرکت‌ها را به تضمین وجود فرایندهای مناسب و به جا جهت پرداختن به زمینه‌های فعالیتی خاص جلب می‌کند. در حال حاضر ابزارهایی وجود دارد که به بیان شرکت‌ها در خصوص بحث مناطق متأثر از مخاصمه مفید هستند.^{۶۶}

^{۵۸} the Voluntary Principles on Security and Human Rights

^{۵۹} See Voluntary Principles on Security and Human Rights, available at: http://www.voluntaryprinciples.org/files/voluntary_principles_english.pdf.

^{۶۰} Strict Liability.

^{۶۱} The Interpretive Guide makes this clear: see Office of the High Commissioner for Human Rights, above note 24, para. 14.4.

^{۶۲} See above note 1, General Principles.

^{۶۳} John Sherman

^{۶۴} SHIFT

^{۶۵} John Sherman, 'The UN Guiding Principles: practical implications for business lawyers', in In-House Defense Quarterly, Winter 2013, p. 55, available at: <http://shiftproject.org/sites/default/files/Practical%20Implications%20for%20Business%20Lawyers.pdf>.

^{۶۶} See International Alert, Conflict-Sensitive Business Practice: Guidance for Extractives Industries, London, March 2005, available at: www.international-alert.org/sites/default/files/publications/conflict_sensitive_business_practice_all.pdf; and UN Global Compact and Principles for Responsible Investment, Guidance on

مذاکرات انجام شده به عنوان بخشی از همکاری میان مؤسسه شیفت و مؤسسه مالی بین المللی، در خصوص ایجاد راهنمایی در مورد مراقبت مقتضی حقوق بشری در شرایط پر خطر برای مشتریان مؤسسه مالی بین المللی،^{۶۷} رویه پیشین شرکت جوانبی از مراقبت مقتضی حقوق بشر را پیشنهاد کرد که توجه خاص را الزام می‌نماید، از جمله:

- نیاز بیشتر به دخالت معنادار ذینفعان، از طریق ارائه مشورت‌های گسترده و جامع و با حمایت طرح‌های استراتژیک ذینفعان؛
- استفاده مضاعف از رویکردهای همکاری گرایانه با اشخاص ثالث مستقل هم در تلاش برای کاهش تأثیرات منفی و جبران خسارت مناسب و هم در فاز ارزیابی مراقبت‌های لازم؛
- اهمیت مراقبت مقتضی پویا به جای مراقبت مقتضی موردی، از طریق فرایندهایی که قادر به انجام تغییرات سریع و پیش‌بینی نشده در خطرات هستند؛ و

- نقش مهمی که لازم است مدیریت ارشد در تصمیم‌گیری‌ها در چنین شرایطی ایفا کند (برای مثال، بعضی از شرکت‌هایی که دارای دفاتر متعددی هستند عمدتاً نیازمندند که در چنین شرایطی تصمیم‌های سختی در سطح منطقه‌ای و مقرهای شرکت گرفته شود تا از کارکنان بومی در مقابل اقدامات تلافی‌جویانه حفاظت شود).

نتیجه‌گیری

با اصول راهنما که ارائه دهنده منبع موثقی برای چگونگی پیشگیری و رسیدگی به تأثیرات منفی حقوق بشری از سوی شرکت‌ها است و تأثیرات سیاستی تعهدات موجود دولت‌ها تحت حقوق بین الملل بشر را طرح ریزی می‌نماید، اکنون می‌توان توجه را به مسائل اجرایی - مخصوصاً در چالش برانگیزترین شرایط مانند مناطق متأثر از مخاصمه - جلب نمود.

واضح است که کارهای بیشتری از سوی دولت جهت مشارکت شرکت‌های همکاری کننده و مدیریت شرکت‌هایی که همکاری نمی‌کنند و در مناطق متأثر از مخاصمه فعالیت می‌کنند قابل انجام است تا به حمایت از آسیب‌های حقوق بشری مخصوصاً سو استفاده‌های فاحش کمک شود. همانطور که از سوی دولت‌های شرکت کننده در کارگاه‌های مخاصمه تأیید شد، سلسله ابزارهایی تحت نظارت دولت وجود دارد - یکی از مثال‌های برجسته بسته‌های اقدامات و برنامه‌های دولت بریتانیا برای مأموریت‌های خارجی جهت ترویج رفتار خوب توسط شرکت‌های بریتانیایی در رابطه با حقوق بشر می‌باشد.^{۶۸} امید است فرایند ناشی از مذاکرات جدید اتحادیه اروپا^{۶۹} در مورد مسولیت اجتماعی شرکت که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را به ایجاد برنامه‌های عمل در مورد اجرای اصول راهنما ترغیب می‌نماید، همانند درخواست‌های درون اتحادیه اروپا برای هیات‌های

Responsible Business in Conflict-Affected and High Risk Areas: A Resource for Companies and Investors, 2010, available at: www.unglobalcompact.org/docs/issues_doc/Peace_and_Business/Guidance_RB.pdf.

^{۶۷} See Shift and IFC, 'Collaborating with the IFC on guidance for high-risk contexts', available at: www.shiftproject.org/project/collaborating-ifc-guidance-high-risk-contexts.

^{۶۸} See The Foreign and Commonwealth Office, Business and Human Rights Toolkit: How UK Overseas Missions can Promote Good Conduct by UK Companies, 2009, available at: www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/35451/business-toolkit.pdf.

^{۶۹} New EU Communication on CSR.

تجاری و سرویس عمل خارجی^{۷۰} ترمیم شده جهت حمایت هر چه بهتر از شرکتها در رویارویی با چنین مسائلی منجر به ارائه‌ی برخی ایده‌های مفید شود.

این چالش برای شرکت‌های مسئول باقی می‌ماند که اطمینان حاصل کنند سیاست‌ها و فرایندهایشان به قدر کافی قوی است تا نشان دهند که به صورت فعالانه‌ای به ریسک‌های سو استفاده‌های حقوق بشری در برخی از چالش برانگیزترین شرایط-یعنی مناطق متأثر از مخاصمه- که در آن فعالیت می‌کنند، رسیدگی می‌کنند. در حالی که هدف اصول راهنما این نیست که مانعی بر انجام فعالیت در این شرایط باشد، اما یک انتظار حداقلی^{۷۱} را تعیین می‌کند که اگر شرکتها قصد ادامه انجام فعالیت با یکپارچگی و تمامیت داشته باشند لازم است انتظار حداقلی را رعایت کنند.

شرکت‌های مسئول مدت‌هاست به دنبال حل این چالش هستند و ابتکار عمل‌هایی مانند فعالیت موسسه مالی بین المللی در مورد مراقبت مقتضی در شرایط پر خطر انجام شده است که باید تلاش‌هایی را در جهت شفاف سازی بیشتر موثرترین رویکردها برای سایر شرکتها - از جمله آن‌هایی که توانایی همکاری ندارند- سازماندهی کنند.

^{۷۰} External Action Service

^{۷۱} Baseline Expectation